

تأملی بر تکالیف حکومت اسلامی و مبانی حقوق بشری بر حق تأمین اجتماعی

علی اکبری^۱، مهدی فلاحیان^۲، علی بهادری جهرمی^۳

چکیده

هدف: حق بر تأمین اجتماعی از ابتدایی‌ترین حقوق بشری است که در اسناد حقوق بشری، به‌عنوان نسل دوم حقوق بشر آمده است. یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین موضوعات در زمان حاکمیت حکومت اسلامی چگونگی برخورد با موضوعات جدید و یافتن سابقه و به عبارت دیگر، حقیقت شرعی یا متشرعه است. از جمله این مسائل مسئله حق بر تأمین اجتماعی است که می‌تواند یک موضوع انسانی، حقوقی و فقهی دارای ابعاد فراوان اجتماعی و فردی در عصر حاضر باشد. هدف از پژوهش حاضر بررسی حق مردم بر تأمین اجتماعی در دولت اسلامی و مبانی حقوق بشری بر حق تأمین اجتماعی است. این اصل در قوانین داخلی کشورها نیز وارد شده است، و جمهوری اسلامی ایران نیز در قانون اساسی و قوانین عادی به این اصل مهم توجه داشته است.

روش: پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی اصل ۲۹ قانون اساسی و معاهدات حقوق بشری نگاشته شده است.

یافته‌ها و نتیجه: نتایج این مطالعه نشان می‌دهد از آنجاکه رفاه اجتماعی نوین با هر نوع نگرش، بیش از آنکه بر گروه‌های آسیب‌دیده متمرکز باشد، اصلی‌ترین هدف خود را بر جلوگیری از گسترش آسیب و بروز موارد جدید قرار می‌دهد، این مدل مطلوب باید بتواند به‌جای آنکه فقط گروه‌های آسیب‌دیده را مدنظر قرار دهد، در همه سطوح موردانتظار فعالیت کند و حیطة عمل خود را به تمام آحاد جامعه از نظر پیشگیری از بروز آسیب‌دیدگی تعمیم دهد.

واژگان کلیدی: حق، حق بر تأمین اجتماعی، تکالیف، دولت اسلامی، حقوق بشر

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران

(نویسنده مسئول) aliadder546@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده معارف اسلامی، و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)

۳. استادیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس

امروزه مسئله حق تأمین اجتماعی جایگاه مهمی در سیر اندیشه‌های فقهی، سیاسی، حقوقی و مدیریت‌های اقتصادی اجتماعی دارد؛ چراکه انسان همواره در طول تاریخ نیازمند ارضای نیازهای حداقلی خود برای گذران زندگی است و مهم‌ترین دلیل گردآمدن انسان‌ها به دور یکدیگر و تشکیل جامعه تدارک مشترک امنیت و نیازهای اجتماعی بوده است. بقا و استمرار نسل افراد جامعه در برابر قهر طبیعت (قحطی، سیل، آتش‌سوزی، بیماری، ...) و دشمنی دیگر انسان‌ها به تلاش مشترک نیاز دارد. انسان‌ها با توجه به تأمین نیازهایشان گرد هم می‌آیند، عقلانی رفتار می‌کنند، و پایه‌های یک نظام اجتماعی مبتنی بر عقلانیت و توسعه را بنیان می‌نهند. از این لحاظ حقوق اجتماعی هدف توسعه نیست، بلکه خود توسعه محسوب می‌شود؛ یعنی دولت و جامعه‌ای را می‌توان توسعه یافته دانست که سطح حداقل یا متناسب زندگی را از جهات مسکن، آموزش، تغذیه، اشتغال، بهداشت و درمان برای یکایک آحاد و ساکنانش فراهم کرده باشد. بر اساس تعریف مقاله‌نامه شماره ۱۰۲ دفتر بین‌المللی کار، «تأمین اجتماعی به منزله حمایتی است که جامعه در قبال پریشانی‌های اجتماعی و اقتصادی پدیدآمده به واسطه قطع یا کاهش شدید درآمد افراد ناشی از بیماری، بارداری، حوادث و بیماری‌های ناشی از کار، بیکاری، از کارافتادگی، سالمندی، فوت و همچنین، ناشی از افزایش هزینه‌های درمان و نگهداری خانواده (عائله‌مندی) به اعضای خود ارائه می‌دهد».

تمامی ابنای بشر آزاد به دنیا آمده‌اند و از لحاظ منزلت و حقوق با هم برابرند. منشأ پیدایش همه آدمیان یکی است. از این رو هیچ فردی بر دیگری برتری ذاتی ندارد. همه انسان‌ها فارغ از هر مبنایی از یک سلسله حقوق برخوردارند، چون همه برابر هستند. در واقع احترام به کرامت ذاتی انسان‌ها ایجاب می‌کند تدابیر لازم برای حمایت از تک‌تک ایشان در مقابل مشکلات اقتصادی و اجتماعی اندیشیده بشود و وسایل و مقدمات لازم برای تأمین امنیت و آسایش و رفاه آنها فراهم شود. وجود اشخاص در اجتماع که به واسطه بیماری یا بیکاری محکوم به فقر شده‌اند و یا کسانی که به واسطه پیری یا نقص عضو تکدی را پیشه می‌کنند دیگر آزادی و حیثیت انسانی‌شان کیمیایی است که نیل به آن محال است. کرامت انسان که در قرآن کریم بر آن تأکید شده است، مبنای اصلی حقوق و آزادی‌های بشر است که به نوع شناختی که اسلام از انسان و جامعه ارائه می‌دهد، باز می‌گردد. انسان موجودی مستعد با قابلیت‌ها و توانایی‌های فراوان و بالقوه است که استعدادهایش پیوسته در حال حرکت و شکوفاشدن است؛ از این رو، در این فرایند به حقوق و آزادی‌ها نیازی حیاتی و فطری دارد. بخش عظیمی از این حقوق و آزادی‌ها ذاتی و فطری انسان محسوب می‌شود. حقوق اجتماعی و برخورداری از شرایط آبرومندانه زندگی و حمایت از قشرهای آسیب‌پذیر و افراد نیازمند که از حقوق به حق و مورد تأکید اسلام است، در اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که از جمله می‌توان به اصول ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳ اشاره کرد.

۲. مفهوم حق

واژه «حق» در فرهنگ ادب فارسی به معنی راست و درست، حقیقت، یقین، عدل، داد، انصاف، نصیب، بهره، مزد، سزاواری، شایستگی، ملک و مال و خدای تعالی آمده است. لفظ «حق» در گفتمان سیاسی، اجتماعی و حقوقی جامعه بار معنایی سنگین تر و متنوع تری دارد. معانی گوناگونی همچون اختیار، امتیاز، قدرت و توانایی، منفعت، تصرف و تسلط و مصالحی همچون آزادی، سلامت، آبرو و دسترسی به مواهب مادی هر یک به نوعی در خدمت فهم حق است. نظریات مختلفی درباره ماهیت حق توسط اندیشمندان ارائه شده است.

جان آستین یکی از حقوق دانان انگلیسی می گوید دارنده حق کسی است که دیگری به حکم قانون در برابر او ملزم به انجام عملی یا خودداری از عملی باشد. جان استوارت میل به تعریف بالا ایراد وارد می کند و آن را ناقص می پندارد. او بر این باور است که حق همیشه متضمن منفعتی برای صاحب حق است؛ یعنی خودداری از عمل و انجام عمل باید به نفع صاحب حق باشد (موحد، ۱۳۸۲: ۴۴). فقیهان حق را از سنخ ملک و درجهای ضعیف تر از آن می دانند و در این تعبیر نشان اصلی حق سلطنت و اختیاری است که به شخص داده می شود تا در آن تصرف کند (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۳۷۶). هارت، از شناخته ترین صاحب نظران مکتب پوزیتیویستی، سه عنصر اصلی را در مفهوم حق مشخص کرده است. او می گوید مفهوم حق از سه چیز خبر می دهد:

- وجود یک نظام حقوقی؛

- وجود ضمانت اجرایی؛

- وجود اختیار برای صاحب حق که اگر بخواهد از آن ضمانت اجرایی استفاده کند و در مقام اجبار طرف به انجام تعهد برآید (موحد، ۱۳۸۲: ۵۱).

بنابراین، لفظ «حق» در گفتمان اجتماعی، سیاسی و اخلاقی روزمره آنچنان نفوذ کرده است که گویی برای ما غیر قابل تصور است بپذیریم هر یک از نظرات به طور مطلق صحیح یا مردود است.

بر پایه نقد تعریف های مشهوری که از حق شده است، می توان این تعریف را از حق ارائه کرد: امتیاز و نفعی است متعلق به شخص که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می کند و به او توان تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می دهد.

۳. تأمین اجتماعی

نیاز به امنیت یکی از خواسته های طبیعی انسان است. بی شک ایجاد و تأمین یکی از محرک های اولیه بشر بوده و از زمان های دور انسان در جست و جوی دستیابی به تأمین فیزیکی در مقابل آسیب های

جانی و تأمین اقتصادی در مقابل تهدیدهای معیشتی بوده است. بشر با درک این امر که فرد به تنهایی قادر نیست خود را در مقابل خطرات محیط حفاظت کند، جست‌وجو به دنبال روش‌های جدیدتر و مناسب‌تر تأمین را آغاز کرد.

هرچند تعاریف مختلفی را می‌توان برای تأمین اجتماعی بیان کرد؛ ولی تعریف عامی که بتوان ارائه داد این است که تأمین اجتماعی حمایتی است که جامعه از طریق مجموعه‌ای از معیارهای عمومی در برابر آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی‌ای که به دلایل بیماری، بیکاری، بارداری، حوادث ناشی از کار، از کارافتادگی، سالمندی و فوت به وجود می‌آید، برای اعضای خود تدارک می‌بیند. خوشبختانه این موضوع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۹ به‌وضوح آمده است. سرانجام تأمین اجتماعی بیانگر این واقعیت است که خدمات و کمک‌ها و مزایا، هر یک به‌وسیله طرح‌هایی که به‌لحاظ شرایط ویژه‌ای شکل گرفته‌اند، ارائه می‌شوند.

بدیهی است استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی در هر کشور به‌سادگی امکان‌پذیر نبوده و انتخاب استراتژی‌های مورد نیاز به شرایط اقتصادی و اجتماعی جوامع مورد نظر وابسته بوده و معمولاً روند تکاملی معینی بر تصمیم‌گیری‌ها حاکم بوده است. در جمهوری اسلامی ایران که عدالت اجتماعی یکی از محورهای اساسی و اهداف نظام است، تأکید بر تأمین اجتماعی و حمایت از مردم، به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر یکی از نکات اساسی است.

روش‌های گوناگونی که در ارائه تأمین اجتماعی طی سال‌های گذشته در دنیا اجرا شده است عبارتند از:

- بیمه اجتماعی؛
 - طرح مسئولیت کارفرما؛
 - مساعد (کمک) اجتماعی؛
 - پرداخت مزایا از محل درآمدهای عمومی؛
 - صندوق‌های احتیاط ملی (کریمی، ۱۳۹۱: ۹).
- تأمین اجتماعی پدیده‌ای اجتماعی است و از جهات گوناگون اهمیت دارد. این جنبه‌ها به‌شرح زیر هستند:

- نابرابری‌های اجتماعی را در اهم حوزه‌های حیات انسانی کاهش می‌دهد.
- موجبات کاهش اتکال انسانی به انباشت پول و ثروت را فراهم می‌آورد.
- موجبات بازتوزیع ثروت را فراهم می‌آورد و از این طریق عدالت اجتماعی و تأمین اجتماعی پیوندی نزدیک می‌یابند.

- پیدایی طبقه متوسط به عنوان شرایط توسعه پایدار جز از این طریق تحقق پذیر نیست.
- تأمین اجتماعی در امتداد هوماتیسم از یک سو، و اندیشه‌های فایانیسم و گیانیسم جدید از سوی دیگر، تولید جامعه‌ای انسان محور را موجب می‌شود و شرایط پیدایی توسعه پایدار نیز چنین است.
- عامل اصلی در کاهش ورودی‌های آسیب‌زا به جامعه است.
- گذر انسان از هراس به آرامش با این ابزار حیاتی (تأمین اجتماعی) قابل تحقق خواهد بود.

۴. ماهیت حق بر تأمین اجتماعی در اسلام

همان‌طور که گفته شد، حق تأمین اجتماعی از همان آغاز جزء تکالیف دولت محسوب شده است. حقوق تأمین اجتماعی در طبقه‌بندی‌های آکادمیک در دسته حقوق عمومی قرار می‌گیرد و دولت وظیفه پاسداری از این حق را بر عهده دارد. اما تأمین اجتماعی در اسلام چهره دیگری دارد. در جامعه اسلامی جایی برای فقر و بی‌عدالتی، تنزل از منزلت و کرامت انسانی و مخدوش شدن عزت نفس مسلمانان وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت دولت عهده‌دار این مسئولیت خواهد بود، اما اسلام می‌داند که ممکن است دولت اسلامی در تحقق این آرمان دچار مشکلاتی شود. از طرفی، تحقق هرچه سریع‌تر این آرمان برای اسلام حائز اهمیت است، لذا راه‌حلی را ترسیم می‌کند که بنابر آن، افراد جامعه را نسبت به یکدیگر مسئول و متعهد می‌داند. البته باید به این موضوع توجه داشت که همگانی کردن این مسئولیت که باعث رفع تدریجی بی‌عدالتی در جامعه اسلامی می‌شود، به موازات تکلیف دولت‌ها قرار می‌گیرد و دلیل نمی‌شود دولت‌ها از انجام اقدامات لازم برای تحقق این آرمان چشم‌پوشی کنند. در واقع، نظام تأمین اجتماعی در اسلام شامل دو بعد ذیل می‌شود:

الف) بعد عمودی: بعد عمودی یا بعد عمومی و حکومتی به تعهداتی گفته می‌شود که دولت‌ها نسبت به شهروندان دارند.

ب) بعد افقی: بعد افقی یا بین‌فردی به تعهداتی گفته می‌شود که شهروندان جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر دارند.

۴-۱. تأمین اجتماعی و اصول حاکم بر آن در حقوق ایران

در اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعریف جامعی از تأمین اجتماعی صورت گرفته است؛ برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، حوادث و سوانح، نیاز به مراقبت‌های بهداشتی و درمانی به صورت بیمه‌ای و غیربیمه‌ای حقی است همگانی و دولت موظف است طبق قوانین، از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم خدمات و حمایت‌های فوق را برای یکایک افراد تأمین کند (واهی، ۱۳۷۸: ۱۲). باتوجه به تعریف

به عمل آمده در اصل ۲۹ قانون اساسی از تأمین اجتماعی و سایر مفاهیم مندرج در اصول یادشده، نظام تأمین اجتماعی را می‌توان با در نظر گرفتن اصول سه‌گانه کفایت، جامعیت و فراگیری و رعایت مفاد آن ضامن تحقق عدالت اجتماعی دانست (ستاری‌فر، ۱۳۷۸: ۳۶).

از شکل امروزی تأمین اجتماعی پنجاه و اندی سال گذشته است و طی این سال‌ها نگرش نیروی کار جامعه به اشکال حمایت‌های اجتماعی، اعتماد به جامعه و آینده‌نگری را متحول ساخته است. آنچه که موجب شده تا بخش عمده جامعه ایران به سرنوشت مشترکی در دریافت خدمات اجتماعی و مطالبات خود از سازمان تأمین اجتماعی بیندیشد، ارائه خدمات متنوع درمانی بازنشستگی و از کارافتادگی است و این امر موجب بروز خیز جمعی در جامعه و تحقق نسبی به هم‌پیوستگی اجتماعی برای جامعه ایران شده است. مشارکت مردم در سامانه تأمین اجتماعی کشور موجب زمینه‌سازی تحقق مردم‌سالاری در ایران شده است؛ چراکه تأمین اجتماعی در یک جامعه مدنی، مشارکت مردم بر اساس شرایط کشور تعریف شده است و می‌تواند یکی از مصادیق مردم‌سالاری محسوب شود. جامعه نیمه‌سنتی و نیمه‌مدرن ایران در تأمین اجتماعی فرازوفرودها و مشکلات زیادی را پشت‌سر گذاشته و برای اینکه بتواند با تحولات جامعه سازگاری داشته باشد، نیازمند اصلاح، تغییرات تدریجی و سنجیده است. یکی از بزرگترین نهادهای اجتماعی ایران سازمان تأمین اجتماعی است که باید بیش از گذشته راه شفاف‌سازی، پاسخ‌گویی و کارآمدی را با تکیه بر تجارب پنجاه‌ساله خود و تجارب بین‌المللی بپیماید تا بتواند تقاضاهای روبه‌گسترش اجتماعی را که از توسعه اجتماعی جامعه ایران ناشی می‌شود پاسخ گوید. تحولاتی در جامعه مدرن ایجاد شده، موجب به وجود آمدن تأمین اجتماعی شده است که همواره محتاج دانش فنی و اجتماعی مربوط به حوزه علمی خویش، برای حرکت و اصلاح می‌باشد. دامنه‌ی تحقیقات و مطالعات لازم در زمینه تأمین اجتماعی در ایران محدود است و همین امر موجب محدودیت دامنه شناخت علمی حوزه‌ی تأمین اجتماعی شده است.

۴-۲. اهداف دولت اسلامی

از نظر اسلام جهان دارای نظامی قانونمند و هدفمند است که مبتنی بر اصل «از اویی به سوی اویی» است و انسان نیز جزئی از این نظام هستی محسوب می‌شود که دارای کرامت و شأن فوق‌العاده‌ای است و برای رسیدن به کمال و عبادت خالصانه و آگاهانه خداوند، خلق شده است. همه چیز از جمله نظامات اجتماعی و فردی اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و مانند آن که حکومت و نظام سیاسی نیز جزئی از این نظامات است، بر مبنای همین نگاه تدوین و تنظیم می‌شوند. بر اساس این دیدگاه، حکومت ابزاری برای حرکت تکاملی انسان تلقی می‌شود؛ بنابراین اهداف دولت نیز باید بر همین مبنای تعریف شوند. بر این اساس، اهداف اساسی دولت در اسلام را می‌توان در موارد ذیل احصا نمود:

الف) تکامل همه‌جانبه انسان: رشد، کمال و حرکت انسان در هر دو بعد مادی و معنوی به سوی خداوند

متعال از اولین و مهم‌ترین هدف بعثت انبیاء به شمار می‌رود. بنابراین حاکمیتی که مبتنی بر این آموزه‌ها باشند، باید محوری‌ترین هدف خود را رشد و کمال انسان قرار دهد؛ به طوری که نتیجه قهر برقراری چنین دولتی حرکت شتابان انسان و جامعه او در همه ابعاد به سمت توسعه باشد.

(ب) عدالت: برقراری عدالت در جامعه یکی دیگر از اهداف عالی دولت اسلامی محسوب می‌شود. از دیدگاه اسلام، ارسال رسل و انزال کتب برای برقراری قسط و عدل بوده است.

(ج) آزادی: یکی دیگر از اهداف اساسی اسلام در تشکیل دولت آزادی است. برقراری دولت اسلامی رهایی از قید و بند طواغیت و حاکمان جور را به همراه خواهد داشت (قابل، ۱۸۳: ۱۰۱)

بر اساس جهان‌بینی و نگرش اسلام به جهان و انسان، در این مکتب حیات‌بخش حکومت به منزله ابزاری برای تکامل انسان است و وظایفی که برای دولت اسلامی مقرر کرده است نیز در همین راستا است. به طور مسلم، بسیاری از آنچه به عنوان اهداف یا وظایف برای دولت اسلام، بیان شد، سایر حکومت‌ها نیز برای خود ابراز می‌کنند؛ اما تعاریف و مصادیق این اهداف در نظام‌های گوناگون متفاوت است. در اسلام چون هم فرد و هم جامعه اصالت دارد، اهداف و وظایف به گونه‌ای تعریف می‌شوند که تضمین‌کننده حقوق فرد در مقابل جامعه در برابر فرد باشد؛ در نتیجه، کمال انسانی اولین و مهم‌ترین هدف حکومت را تشکیل می‌دهد و ساختن جامعه‌ای که در آن فضایل اخلاقی و انسانی زیربنای افراد را تشکیل دهد، وظیفه مهم این حکومت محسوب می‌شود.

۴-۳. تأمین اجتماعی در رفع مخاطرات نسبت به شهروندان

یکی از دغدغه‌های مهم نظام تأمین اجتماعی این است که بتواند افراد تحت شمول خود را به بهترین وجه ممکن حمایت کنند. درجه رشد تأمین اجتماعی در کشورها تعیین‌کننده میزان حمایت‌ها و گستردگی افراد تحت حمایت این نظام است. دولت‌ها برای تعیین نظام مسئولیت خود در برابر مردم سرزمین خویش باید برخی از خطرات را به عنوان خطری اجتماعی معرفی می‌کنند؛ زیرا با این کار دولت در هنگام بروز خطر، خود را به عنوان مسئول حمایت از افراد گرفتار خطر معرفی می‌کند. مقاله‌نامه شماره ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار سندی است که نشان می‌دهد اعلام مجموعه‌ای از خطرات به عنوان خطر اجتماعی و بیان مصادیقی از خطرات اجتماعی کمک شایانی به دولت‌های عضو کرده است. استانداردهای مطرح‌شده در این سند بین‌المللی با عنوان مراقبت‌های پزشکی، کمک‌هزینه ایام بیماری، کمک‌هزینه بیکاری، کمک‌هزینه سالمندی، کمک‌هزینه سوانح ناشی از کار، کمک‌هزینه عائله‌مندی، کمک‌هزینه دوران بارداری، کمک‌هزینه از کارافتادگی و کمک‌هزینه بازماندگان دیدگاهی در شمارش و دسته‌بندی خطرات به دست می‌دهد.

برای بررسی مصادیق خطرات اجتماعی به طور منظم و با تکیه بر استانداردهای مطرح‌شده در این

مقاله‌نامه می‌توان آنها را به سه دسته‌ای ذیل تقسیم نمود:

- این دسته از خطرات هنگام فعالیت‌های شغلی به وجود می‌آید و سلامت جسمی، روحی فرد را نشان می‌گیرد، همانند حوادث کار و بیماری‌های حرفه‌ای و خطر بیکاری.
- این دسته از خطرات که نشأت گرفته از طبیعت، حیات و جریان عادی زندگی است، بر سلامت جسم و جان تأثیرگذار است، همانند بازنشستگی، از کارافتادگی، بیماری و فوت.
- این دسته از خطرات از دل تشکیل خانواده و گستراندن آن بر می‌آید و بر سلامت اقتصادی خانواده‌ها تأثیر می‌گذارد، همانند عائله‌مندی و بارداری.

۵. نظام تأمین اجتماعی مطلوب

نظامی است که با توجه به وضعیت اقتصادی کشور در ابعاد تقنینی و اجرایی شهروندان را در سه حوزه مسکن، بیکاری و معلولیت در سطح حداقل تکفل مورد حمایت خود قرار می‌دهد. نظامی در نقطه تعادل عدم وابستگی کامل فرد به حمایت دولت و تأمین حداقلی در حوزه‌های یادشده که لازمه حفظ کرامت انسان است.

برخلاف گذشته، امروزه مسئول و پاسخگو بودن دولت‌ها یک امر بدیهی و طبق اصول، بی‌نیاز از دلیل، دست‌کم در نظام‌های دموکراتیک است. سه حوزه عمده‌ای که در عرصه عمل، جزء تکالیف و تعهدات دولت مسئول محسوب می‌شود عبارت از آموزش، بهداشت و برقراری تأمین اجتماعی هستند. با این وجود کشورهای مختلف برای برقراری حق تأمین اجتماعی الگوهای متفاوتی را اجرا نموده‌اند. پس باید از میان این الگوها شاخصه‌های الگوهای مطلوب شناسایی شود تا میزان مطابقت الگوی حاکم بر نظام حقوقی تأمین اجتماعی در ایران با الگوی مطلوب مشخص شود.

۶. مبانی حقوق بشری تأمین اجتماعی

برابری در برخورداری از حق بر تأمین اجتماعی همانند سایر حق‌های انسانی مطالباتی نیازمند توجیه هستند. به دیگر سخن، این مطالبات بدیهی و بی‌نیاز از استدلال نیستند. در مباحث فلسفی و حقوق بشری به لحاظ نظری پنج شاخص را می‌توان برای برابری در برخورداری از حق بر تأمین اجتماعی برشمرد: حیثیت و کرامت ذاتی انسانی، عدالت توزیعی، همبستگی اجتماعی، نظریه‌های فایده‌گرا فایده‌گرا، نظریه‌های حقوق شهروندی. البته هر یک از این چهار مبنا نیاز به شرح خاصی دارد.

۶-۱. حیثیت و کرامت ذاتی انسانی

ایده منزلت و کرامت انسان به‌عنوان یکی از مفاهیم اصلی حقوق بشر معاصر در قوانین اساسی دولت‌های دموکراتیک، عالی‌ترین هنجار خدشه‌ناپذیر به شمار می‌آید. در حقیقت به نظر می‌رسد هیچ

فیلسوف اخلاقی به سان کانت بنایی عمیق و عقلانی برای دفاع اخلاقی از حقوق بشر بنا نکرده باشد. کانت تعهد احترام به حیثیت انسانی و آزادی را صرفاً مبتنی بر عقلانیت انسانی توجیه می‌کرد (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸: ۱۲۷). شأن و منزلت انسانی اصلی است که بر اساس آن هیچ انسانی، صرفاً وسیله و ابزار نیست و باید با وی به گونه‌ای رفتار شود که انسانیت اقتضاء دارد و غایت اراده انسان به این معنی است که انسان را به عنوان موجود عاقل و از آن جهت که انسان است در نظر گرفت و به وی احترام گذاشت (فلسفی، ۱۳۸۱: ۲۷). اصل غایت بودن انسان بر برابری انسان‌ها در حیثیت انسانی صحه می‌گذارد. استفاده ابزاری از انسان در حقیقت چیزی جز نادیده‌انگاشتن حیثیت انسانی و انکار غایت بودن وی نیست (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۱: ۱۵۱). برای اینکه برابری ارزشی انسان‌ها رعایت شود و مورد تجاوز قرار نگیرد، به اقدام آگاهانه انسان‌ها نیاز است و باید در قالب نهاد حق تضمین شود. این امر به این دلیل است که موقعیت برابر انسان‌ها به بهانه‌ها و دلایل گوناگون نقض نشوند؛ چه برسد به اینکه برتری و درجه گروهی دلیل و پایه‌ای قرار گیرد برای نادیده‌انگاشتن حق گروهی دیگر (راسخ ۱۳۸۴: ۳۶). تبعیض منفی در تناقض با اصل کرامت ذاتی انسان‌ها قرار می‌گیرد؛ زیرا زمینه ابزار صرف قرار گرفتن افراد گرفتاری در دام تبعیض را فراهم می‌آورد. اگر کسی را نمی‌توان ابزار صرف قرار داد، به طریق اولی نمی‌توان او را فروتر از دیگری دانست و دیگری را فراتر و برتر از او تلقی کرد. کانت با طرح نظریه کرامت ذاتی انسان می‌گوید که مبنای اصلی کرامت را باید در «خودمختاری اخلاقی و استقلال ذاتی» جست‌وجو کرد. فاعلیت اخلاقی خود دارای سه عنصر ضروری استقلال، آزادی و منابع برابر است. بر اساس عنصر اول، یعنی استقلال، فرد باید بتواند برای خود به طور مستقل تصمیم بگیرد. علاوه بر این، باید آزادی عمل در تصمیم‌گیری و نبود مانع بر سر راه آزادی و در اختیار داشتن ابزار و وسایل لازم برای پیگیری اهداف خود را دارا باشد. بر این پایه، اگر حداقل منابع مادی در اختیار فاعل اخلاقی نباشد، فاعلیت اخلاقی او هیچ‌گاه بالفعل نخواهد شد؛ البته نه به این معنا که فرد باید تمامی وسایل رسیدن به زندگی‌ای را که ارزشمند می‌داند در اختیار داشته باشد؛ چراکه چنین چیزی قطعاً نشدنی است؛ بلکه منظور این است که برای پیگیری اهداف باارزش (از دید فرد) از حصه‌ای منصفانه و عادلانه از امکانات موجود بهره‌مند باشد. محصور کردن اجباری زنان در خانه از نمونه‌های واضح نادیده‌انگاشتن فاعلیت اخلاقی آنان است؛ چراکه این نوع زندگی، زندگی بر اساس خواسته‌ها و نظرات دیگران است و نه تصمیمات و خواسته‌های خود. البته باید این مطلب اساسی را خاطر نشان کرد که تأمین و تضمین عناصر سه‌گانه، یعنی استقلال، آزادی و منابع برابر به معنای تأمین شخصیت و گوهر انسانی فرد است و در نتیجه بهترین وسیله فراهم کردن آن عناصر مفهوم و نهاد «حق» است؛ چراکه حق به معنای ادعای تضمین شده است (راسخ، ۱۳۸۴: ۴۲). حق به عدالت مربوط است و نه امور خیریه و حمایتی. اگر مردم خودشان را به عنوان صاحبان حق بر کالاهای رفاهی بدانند و نه نیازمندان به دریافت خیریه، این امر می‌تواند به برطرف کردن احساس حقارت در دریافت رفاه کمک کند.

ایده و نهاد حق نیز در درجه نخست، بر پایه اصل کرامت ذاتی انسان قابل توجیه است؛ یعنی انسان بما هو انسان از آنچنان ارزش و موقعیتی برخوردار است که به هیچ وجه نباید صرفاً وسیله قرار گیرد. این توجیه خود مبتنی بر اصل برابری است، یعنی همه انسان‌ها فارغ از هر مبنایی از یک سلسله حقوق برخوردارند چون همه برابرند. در واقع احترام به کرامت ذاتی انسان‌ها ایجاب می‌کند تدابیر لازم برای حمایت از تک تک ایشان در مقابل مشکلات اقتصادی و اجتماعی اندیشیده شود و وسایل و مقدمات لازم برای تأمین امنیت و آسایش و رفاه آنها فراهم گردد. در غیر این صورت، تمامیت جسمانی و معنوی و حیثیت ایشان در کوران حوادث به شدت لطمه خواهد دید و از سوی دیگر، اگر سطوح ابتدایی و متوسط خواسته‌های انسان‌ها در قالب کمک‌ها و حمایت‌های تأمین اجتماعی و نظایر آن برآورده نشود، اساساً فرصتی برای پرداختن به مراتب بالای این نیازها باقی نخواهد ماند و اعضای جامعه پیوسته دغدغه تأمین نازل‌ترین مراتب نیازهای خویش را خواهند داشت و نوبت به اندیشیدن درباره مراتب بالاتر نیازها و علائق انسانی و مطالبه آنها به عنوان یک حق نخواهد رسید. از این رو، برخی نویسندگان تصریح کرده‌اند که برخورداری از حداقل امکانات لازم برای زندگی به گونه‌ای تضمین حقوق مدنی و سیاسی و احترام به حیثیت انسانی است و انسان‌هایی که حداقل امکانات را نداشته باشند، از حیات انسانی متناسب با حیثیت خویش بهره‌مند نخواهند بود. برابری در جامعه‌ای به منصفه ظهور می‌رسد که به عدالت اجتماعی، دموکراسی و کرامت انسانی متعهد است. همچنین، این جامعه نیازمند حرکت از ضمانت‌های شکلی به سوی برابری است.

حال این پرسش مطرح می‌شود که اگر برخورداری از مزایای تأمین اجتماعی در زمره حقوق بشری است که انسان‌ها بنا به مقتضیات حیثیت و کرامت ذاتی خود دارند، طرح ضابطه تبعیت یا اشتغال و پرداخت حق بیمه در برخورداری از مزایا چه معنایی می‌تواند داشته باشد. این باور همانی است که طرفداران ایده تأمین اجتماعی همگانی و عام‌الشمول در مقابل ایده‌های شغل محور مطرح کرده‌اند. در پاسخ به این ایراد می‌توان گفت که ایده تأمین اجتماعی به مثابه مصداقی از حقوق بشر با طرح ضابطه تبعیت و تعیین بخشی از اعضای جامعه به عنوان بیمه‌شدگان تبعی و ایده‌های شغل محور منافاتی ندارد؛ زیرا امروزه بسیاری از طرفداران جهان‌شمولی حقوق بشر پذیرفته‌اند که اگرچه هیچ کشوری نباید عناوین حقوقی شناخته شده در موازین بین‌المللی را نفی کند، اما گریزی از بروز برخی استثنائات هرچند محدود در مقام تفسیر و اجرای این قواعد جهان‌شمول نیست و اساساً باید قبول کرد که هر یک از کشورها می‌توانند در اجرای عناوین حقوقی مربوط به حقوق بشر روش‌های اجرایی خاص خود را متناسب با اقتضائات و ویژگی‌های محلی انتخاب نمایند و تفسیری از قواعد جهان‌شمول حقوق بشر به عمل آورند که از یک سو متناسب با فلسفه حقوق بشر باشد و از سوی دیگر، ضرورت‌ها و واقعیت‌های داخلی آن کشورها در آن لحاظ شده باشد.

۷. نتیجه‌گیری

رفاه و تأمین اجتماعی دو موضوع بهم‌پیوسته‌اند. رفاه به مفهوم توسعه، عمران و آبادانی و رعایت حقوق شهروندی و مقدمه تأمین اجتماعی است. در واقع تأمین اجتماعی در جامعه‌ای که از نظر رفاه اجتماعی مورد توجه کافی قرار نگیرد، چندان مطلوب نخواهد بود. تحقق رفاه اجتماعی به مفهوم تأمین حداقل درآمد و سطح زندگی در زمان بیکاری، بیماری و حادثه است. تأمین اجتماعی در منشور سازمان بین‌المللی کار به معنای حمایت جامعه از شهروندان از طریق اقدامات عمومی در برابر فشارهای اجتماعی و اقتصادی است که باعث قطع یا کاهش درآمد احتمالی آنان به دلیل بیماری، حوادث، از کارافتادگی، سالمندی و مرگ می‌شود. تأمین اجتماعی در مواقعی هم مراقبت‌های پزشکی و حمایت‌های مالی را شامل می‌شود. از دید صاحب‌نظران، رفاه اجتماعی در دو مفهوم به کار می‌رود؛ یکی در مفهوم عام که به مجموعه سازمان‌ها، مقررات و تدابیر بهزیستی اعضای جامعه اطلاق می‌شود؛ و دیگری در مفهوم خاص که عبارت است از رسیدگی به گروه‌های تنگدست و نیازمند جامعه، به‌ویژه افراد و گروه‌های آسیب‌پذیر. بر این مبنا می‌توان گفت که رفاه اجتماعی مجموعه اقدامات و تدابیری است که برای کاستن، تخفیف یا از بین بردن مسائل و مشکلات ناشی از رشد اقتصادی و رشد ناهماهنگ در زمینه‌های تربیتی، بهداشتی و درمانی... و پاره‌ای امور و پدیده‌های اجتماعی مانند اقتصاد، عدم توسعه متعادل اقتصادی - اجتماعی در سطح جامعه به کار می‌رود.

از آنجاکه رفاه اجتماعی نوین با هر نوع نگرش، بیش از آنکه بر گروه‌های آسیب‌دیده متمرکز باشد، اصلی‌ترین هدف خود را بر جلوگیری از گسترش آسیب و بروز موارد جدید قرار می‌دهد، این مدل مطلوب باید بتواند به‌جای آنکه فقط گروه‌های آسیب‌دیده را مدنظر قرار دهد، در تمامی سطوح مورد انتظار فعالیت کند و حیطه عمل خود را به همه آحاد جامعه از نظر پیشگیری از بروز آسیب‌دیدگی تعمیم دهد. اصولاً فعالیت‌های رفاه را از یک منظر، به سه فعالیت متمرکز بر افراد، جامعه و محیط و از منظر دیگر، به دو نوع حمایتی و جبرانی برای رفع نقایض و آسیب‌ها، ارتقایی و پیشگیرانه برای افزایش مقاومت و ارتقای استعدادهاى مورد نظر تقسیم می‌کنند. از این‌رو به‌منظور تأکید بر کرامت انسان‌ها حق تأمین اجتماعی بدون هیچ تبعیضی و بدون توجه به وضعیت و شرایط به‌عنوان یکی از حقوق فراگیر بشر شناخته شده است. متولیان امر تأمین اجتماعی به‌منظور نهادینه کردن حقوق شهروندی باید تمام فعالیت‌های خود را با محوریت قانون انجام دهند و در اجرای قوانین و مقررات سازمانی نگاهی انسان‌مدارانه به شهروندان داشته باشند. البته تا وقتی که افراد جامعه از مفاهیم و شاخص‌های قانون حقوق شهروندی آگاهی نداشته باشند، دور از انتظار است که توانایی دفاع از حقوقشان را داشته باشند و از خود دفاع کنند. از این‌رو برای فراگیری حقوق شهروندی توجه به آموزش حقوق شهروندی به آحاد جامعه ضرورت دارد.

کشور ما به موجب قانون در سال ۱۳۵۴ به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که یکی از معاهدات بین‌المللی شناخته شده است، ملحق شده و مقررات میثاق مذکور جزئی از نظم حقوقی داخلی کشور است و در حال حاضر نیز در زمره قوانین الزام آور محسوب می‌شود. افزون بر این، حق بر تأمین اجتماعی در قوانین و مقررات داخلی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته است که این امر در قانون اساسی، به‌ویژه اصل ۲۹ این قانون تجلی یافته است. این اصل می‌گوید: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی و دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند».

منابع

- استوار سنگری، کوروش (۱۳۹۰) *حقوق تأمین اجتماعی*. تهران: نشر میزان
- پاکباز، خسرو (۱۳۸۶) *تأمین اجتماعی*. تهران: چاپ ارژنگ
- پناهی، بهرام (۱۳۹۱) *اصول و مبانی نظام تأمین اجتماعی*. تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- راسخ، محمد (۱۳۹۴) *حق و مصلحت: مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش*. تهران: طرح نو.
- عباسی، بیژن (۱۳۹۵) *حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین*. تهران: انتشارات دادگستر.
- عراقی، عزت‌الله (۱۳۹۲) *درآمدی بر حقوق تأمین اجتماعی*. تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۶۹) *بررسی الگوی مشارکت شهروندان نسبت به حق اجتماعی*. تهران: وزارت کار و تأمین اجتماعی.
- عزت‌الله شهبابی، مهدی (۱۳۸۸) *درآمدی بر حقوق تأمین اجتماعی: نقد قانون تأمین اجتماعی ایران بر اساس مطالعه تعلیقی*. تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- فیض‌زاده، علی (۱۳۸۹) *بررسی مفهوم رفاه و تأمین اجتماعی در ایران و جهان*. تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- قاری سید فاطمی، سیدمحمد (۱۳۹۶) *حقوق بشر در جهان معاصر*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- قایل، احمد (۱۳۸۳) *اسلام و تأمین اجتماعی*. تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- قاری سید فاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۱) «مبانی توجیهی اخلاقی حقوق بشر معاصر»، *مجله تحقیقات حقوقی*. شماره ۳۵.
- همتی، مجتبی (۱۳۸۹) «بررسی و تحلیل مبانی نظری عدالت اجتماعی و دولت رفاه در پرتو نظریه عدالت جان والزر»، *نشریه حقوق اساسی*، سال ۴، شماره ۸ تابستان.